نشریهٔ زن در فرهنگ و هنر، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۳، پاییز ۱۳۹۲: ۳۲۷ـ۳۴۴

مطالعهٔ نمونه‌هایی از پیکرک‌های سفالی زنان در ادوار سلجوقی و ایلخانی

سید هاشم حسینی[۱*]

چکیده

پیکرک‌های گلی و سفالین زنان جزء نخستین آثار هنری بشر در اعصار پیش از تاریخ محسوب می‌شوند که ساخت آن‌ها با تغییراتی خاص تا دوران اسلامی نیز تداوم یافته است. پیکرک‌های سفالی مزبور، که گونه‌های مختلفی از تکنیک‌های ساخت و تزیین هنر سفالگری اسلامی را دربرمی‌گیرند، اغلب در شهرها و مراکز مهم سفالگری ایران ساخته شده‌اند. از مهم‌ترین ادوار ساخت این پیکرک‌ها می‌توان به ادوار سلجوقی و ایلخانی مقارن با قرون پنجم تا نهم هجری اشاره کرد که با توجه به منع ساخت پیکرک و مجسمه در دوران اسلامی، دلایل و انگیزه‌ها و نیز منابع الهام‌بخشِ ساخت این پیکرک‌ها در دوره‌های مزبور جای تأمل دارد. موضوع پژوهش کنونی بررسی و تحلیل تعدادی این پیکرک‌ها در کلیهٔ ابعادِ تکنیکی و مفهومی است. هدف اصلی مقاله، بررسی و شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های پیکرک‌های سفالین مزبور به همراه طبقه‌بندی آن‌هاست. روش پژوهش انتخابی، با توجه به نوع موضوع و هدف، تلفیقی از روش‌های توصیفی، تاریخی، و مقایسه‌ای است. در همین زمینه، ده عدد از نمونه‌های شاخصِ پیکرک‌های سفالین زنان در ادوار سلجوقی و ایلخانی، فارغ از تعلق به سبک یا گونه‌ای خاص، از بین آثار موجود در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی انتخاب و از منظرِ شیوهٔ ساخت، تزیین، کاربرد، فرم، اهداف ساخت، منابع الهام‌بخش، و... بررسی، طبقه‌بندی، و تحلیل شده است. بنابر یافته‌های پژوهش، پیکرک‌های سفالی زنان در ادوار مزبور، به‌خصوص دورهٔ سلجوقی، تحت‌تأثیر عوامل مختلفی ساخته شده‌اند که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به تأثیر سنت‌های هنری پیش از اسلام، تأثیر نظام قبیله‌ای، تأثیر برخی از شخصیت‌های زن ادبیات ایران، به علاوهٔ تأثیر صور فلکی با نماد مؤنث اشاره کرد. همچنین توجه به نقش‌ها و کارکردهای زنان به جای تمرکز بر ویژگی‌های جنسیتی آن‌ها، از مهم‌ترین تفاوت‌های پیکرک‌های مزبور با نمونه‌های مربوط به اعصار پیش از تاریخ است.

کلیدواژگان

پیکرک‌های زنان، دوره‌های سلجوقی و ایلخانی، هنر سفالگری.

۱. استادیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی دانشکدهٔ مرمت دانشگاه هنر اصفهان H.hoseini@Aui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۰

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

پیکرک‌سازی یا مجسمه‌سازی از شیوه‌های قدیمی خلق آثار هنری از سوی بشر است که سابقهٔ آن به قدیمی‌ترین اعصار پیش از تاریخی می‌رسد. با توجه به پیکرک‌های برجای‌مانده، نخستین نمونه‌های آن‌ها از جنس گل و بعدها گل پخته‌شده و اغلب بازتاب‌دهندهٔ جنس مؤنثِ بالغ، همراه با اغراق در اندام‌های زنانهٔ ایشان بود. با شروع دوران تاریخی، هرچند نمونه‌های متعددی از مجسمه‌های انسانی و از جنس‌های مختلف در تمدن‌های یونانی، مصری، و... ساخته شد، در این مقطع زمانی، ساخت پیکرک‌های گلی و سفالی زنان جایگاه باشکوه ادوار پیشین خود را از دست داد. هم‌زمان با این دوران، در تمدن ایرانی نیز، چندان به ساخت پیکرک‌های مزبور توجه نمی‌شد و به‌طورکلی هنر مجسمه‌سازی جایگاه شاخصی بین هنرهای مختلف نداشت. با شروع دوران اسلامی، به‌رغم عوامل بازدارندهٔ متعدد، دوباره شاهد ساخت نمونه‌هایی زیبا و بدیع از مجسمه‌های انسانی از هر دو جنس زن و مرد هستیم که اغلب سفالی و توأم با تزیینات و رنگبندی‌های متنوعی است. مطالعات جامع و گسترده‌ای بر پیکرک‌های گلی و سفالی زنان در دوران پیش از تاریخ ایران و سایر مناطق جهان صورت گرفته و اطلاعات مفیدی نیز در این زمینه منتشر شده است، اما ، بنا به دلایل مختلف، از جمله محدودیت تعداد آثار یا محدودیت نمونه‌های در دسترس، از پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی غفلت شده است؛ تا جایی که برخی افراد از وجود چنین نمونه‌هایی در هنر سفالگری دوران اسلامی بی‌اطلاع‌اند.

پژوهش پیش رو، به بررسی و تحلیل تعداد ده عدد از نمونه‌های شاخص پیکرک‌های سفالی زنان طی این دوران می‌پردازد که اغلب در قرون میانی اسلامی، مصادف با قرون پنجم تا نهم هجری، ساخته شده‌اند. پیکرک‌های مزبور، که در موزه‌های مختلف داخلی و خارجی شامل موزهٔ ملی ایران، موزهٔ هنر لس‌آنجلس‌کانتی امریکا، موزهٔ طارق‌رجب کویت، موزهٔ آشمولین انگلستان، و موزهٔ برلین آلمان به علاوهٔ مجموعه‌های خصوصی کریستی لندن و دیوید در کپنهاگ دانمارک نگهداری می‌شوند، از نمونه‌های فاخر و زیبای هنر سفالگری و پیکرک‌سازی دوران اسلامی به‌شمار می‌آیند. شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های تکنیکی و تزیینی پیکرک‌های مزبور و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با پیکرک‌های گلی و سفالی ادوار پیش از تاریخ از جمله اهداف این پژوهش است. پرسش‌های مهم قابل طرح در زمینهٔ اهداف مزبور عبارت‌اند از: ۱. مهم‌ترین مراکز ساخت به علاوهٔ منابع الهام‌بخش پیکرک‌های سفالین زنان در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی کدام‌اند؟ ۲. مهم‌ترین کاربردها، شیوه‌های ساخت و تزیین، و تفاوت‌های پیکرک‌های مزبور با نمونه‌های پیش از تاریخی چیست؟

روش پژوهش انتخابی برای پاسخگویی به این پرسش‌ها، با توجه به ماهیت موضوع، تلفیقی از روش‌های توصیفی، تاریخی، و مقایسه‌ای است. در همین زمینه، پس از مروری مختصر بر تاریخچهٔ مجسمه‌سازی، از ابتدا تا ظهور اسلام، به مطالعهٔ وضعیت کلی ساخت پیکرک‌های

Archive of SID

www.SID.ir

سفالی زنان در دوران اسلامی ایران می‌پردازیم و در ادامه نمونه‌های انتخابی را به لحاظ شیوهٔ ساخت، تزیین، کاربرد، فرم، اهداف ساخت، منابع الهام‌بخش، و... بررسی، طبقه‌بندی، و تحلیل می‌کنیم. اما در ابتدا، نگاه مختصری به تاریخچهٔ پیکرک‌های سفالی زنان از ادوار پیش از تاریخ تا قبل از ظهور اسلام می‌اندازیم.

پیشینهٔ ساخت پیکرک‌های زنانْ پیش از اسلام

بشر از زمانی که روی اولین دستهٔ تبر سنگی خود نقشی را حکاکی کرد، مجسمه‌سازی را آغاز کرد و تا ساخت شکل‌های ماهرانه‌تری پیش رفت. ساخته‌های گلی او موجب ترس و بیمش شد؛ به نحوی که به آن‌ها خواص جادویی بخشید و به منظور مصون‌ماندن از اهریمن، طلسم و افسون را به وجود آورد. او حتی کوشید مرگ را با ساختن پیکرهٔ اشخاص مورد علاقه‌اش بفریبد تا پس از مرگشان جاودان بمانند. و برای اینکه در ورودش به جهان دیگر تنها نماند، شکل انسان‌ها را با گل ساخت تا در آرامگاهش همراه او باشند [۶،ص۱].

از هزارهٔ هشتم قبل از میلاد، پیکرک‌های رشدنیافتهٔ انسانی، که بیشتر زنانه هستند، از نقاط مختلف جهان، از جمله در ایران از محوطه‌هایی چون تپهٔ آسیاب، تپهٔ سراب، گنج‌دره، علی‌کش، چغاسفید و حاجی‌فیروز، به‌دست آمده است [۱۱،ص۱۳۴]. یکی از این آثار، پیکره‌ای گلین است که از حفریات باستانشناسی و انسانشناسی دانشگاه شیکاگو، به سرپرستی رابرت بریدوود، در تپهٔ سراب کرمانشاه، کشف شد که گفته می‌شود متعلق به شش هزار سال پیش از میلاد است (شکل۱).

احتمالاً حالت نشستهٔ این پیکره‌ها به ساکن‌بودن اشاره دارد و به زندگی یکجانشینی که سرآغاز تمدن و شهرنشینی است، مربوط می‌شود که این حالت وابستگی شدید به زمین را می‌رساند. حتی در مواردی که این پیکره‌ها به صورت ایستاده ساخته شده‌اند، مرکز ثقل آن‌ها بخش پایینی بدن و اندام‌های مربوط به باروری است. هرقدر اغراق در اعضای مربوط به زایش و باروری در این آثار جدی است، در ارائهٔ چهره‌ها و ویژگی‌های فردی بی‌اعتناییِ آگاهانه اعمال شده است [۲،ص۷].

یکی دیگر از پیکره‌های قدیمی زنانه از تورنگ‌تپه در شمال ایران کشف شده است (شکل۲). این پیکره، که از آن به‌عنوان الههٔ زیبایی و حاصلخیزی یاد می‌شود، در حدود سه هزار سال پس از ونوس سراب ساخته شده است. از مقایسهٔ این پیکره با پیکرهٔ سراب تفاوت‌های بسیاری مشاهده می‌شود که برخی از آن‌ها به این شرح است: در پیکرهٔ تورنگ‌تپه، ویژگی‌های متمایز مادینگی کاملاً آشکار و برجسته نشان داده شده و نسبت‌های طبیعی در آن رعایت شده است؛ درحالی‌که ونوس سراب سنگین و فربه روی زمین نشسته است. ایزدبانوی تورنگ‌تپه، با بازوان گشاده و حالتی مغرور، در برابر تماشاگر ایستاده و روی سرش زیوری زنانه، به صورت نیم‌تاج،

Archive of SID

www.SID.ir

قرار گرفته و گردنبندی طوق‌مانند در گردن دارد که او را همچون ملکه‌ای مجسم می‌کند؛ درحالی‌که ونوس سراب بدون سر و با گردنی دراز نشان داده شده است [۴،ص۱۴۲].

شکل۱. پیکرک زن معروف به ونوس‌تپه سراب متعلق به دوران نوسنگی (هزارهٔ ششم پیش از میلاد) در موزهٔ ملی ایران

شکل۲. ایزدبانوی زیبایی و حاصلخیزی از تورنگ‌تپه در نزدیکی گرگان، هزارهٔ سوم پیش از میلاد، موزهٔ دانشگاه فیلادلفیا

در بسیاری از محوطه‌های پیش از تاریخ نقاط دیگر جهان، از جمله بین‌النهرین (حسونا و حلف)، آسیای صغیر (چای اونو و حاجیلر)، و... نیز پیکرک‌های مؤنث فراوانی یافت شده است [۱۳،ص۱۰۱] که نشان‌دهندهٔ عمومیت داشتن این سنت در فرهنگ‌های عصر نوسنگی جهان باستان است. دربارهٔ دلایل رواج این سنت و ساخت نمونه‌های متعدد از پیکرک‌های زنان در آن ادوار، نظریه‌های مختلفی مانند نظام زن‌سالار یا مادرسالار آن جوامع، پرستش مادر خدایان، ارتباط پیکرک‌های مؤنث با رونق کشاورزی و حاصلخیزی زمین، ابزاری جهت پرستش اجداد و ارواح مردگان، و... مطرح شده است [۵،ص۱۰۸].

پس از سپری‌شدن اعصار پیش از تاریخ و ورود انسان به دوران تاریخی، ساخت پیکرک‌های سفالی مؤنث در نقاط مختلف جهان، از جمله در ایران، بنا به دلایل مختلف از رونق افتاد. هرچند در دورهٔ اشکانی تعداد درخور توجهی پیکره از افراد طبقات عادی جامعه (از جمله زنان) تحت‌تأثیر هنر هلنیسم یونانی با گرایش طبیعت‌گرایانه به دست آمده است [۸،ص۱۸ــ۱۹]، به لحاظ اهداف و ویژگی‌های ساخت با پیکرک‌های سفالی زنان در مقطع پیش از تاریخ کاملاً متفاوت است.

پیکرک‌های سفالی در دوران اسلامی

وضعیت ساخت پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی را باید در قالبِ کلی هنر پیکرک‌سازی اسلامی بررسی کرد، زیرا هنر پیکرک‌سازی طی این دوران تفاوت‌های کلی و اساسی با ادوار قبلی دارد که به‌تبع پیکرک‌های سفالی زنان نیز از آن مستثنا نیست. علاوه بر

Archive of SID

www.SID.ir

این دیدگاه‌های خاص، احکام اسلامی نیز وضعیت خاصی را برای آفرینش هنری در قلمرو جنس مؤنث پدید آورد که به نوعی مزید بر علت شد. بنابراین، خلق پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی بیانگر رفع دو محدودیت عمده دربارهٔ پیکرک‌سازی و کاربرد نقش جنس مؤنث است که شناخت دلایل رفع‌کنندهٔ این محدودیت‌ها جالب توجه و درخور پژوهش است.

اصولاً پیکرک‌سازی یا مجسمه‌سازی در هنر دوران اسلامی همواره جایگاهی بحث‌برانگیز داشته و این به علت نگرش ویژهٔ احکام اسلام و اخبار مربوط به سده‌های نخستین ظهور اسلام دربارهٔ پرداختن به تصویر است.[1] البته همواره در کنار این نگرشِ ویژه، باید تأثیر حکومت‌ها، قوانین و سیاست‌های خاص آن‌ها، و نیز سنت‌های بومی و آموخته‌های کهنِ فرهنگی جوامع مختلف اسلامی، از جمله ایران، را مدنظر قرار داد. به‌طوری‌که پایایی و تداوم سنت‌های خاص ایرانی، به‌منزلهٔ کشوری با فرهنگ سنت‌گرا، موجب تشابهات کلی هنر مجسمه‌سازی در همهٔ ادوار تاریخی پیش و پس از اسلام شده است. وجود این تفکرات و دیدگاه‌ها، قوانین، سیاست‌ها، و سنت‌های ملی موجب شده هنر مجسمه‌سازی در دوران اسلامی ایران به‌منزلهٔ هنری کاربردی و تزیینی ارائه شود و عمدتاً حضوری غیرمستقل یابد.

پس از ظهور اسلام و سقوط ساسانیان، مجسمه‌ها و ظروف سفالی تا مدت‌ها تحت‌تأثیر شیوه‌های هنری گذشته قرار داشت؛ از جمله در ناحیهٔ اطراف دریای خزر که روش و سنت هنر ساسانی به شیوهٔ مقدم به‌کار می‌رفته است. در بقیهٔ کشورهای اسلامی نیز از این روش برای ساخت ظروف و مجسمه‌های سفالی و لعاب‌دادن به آن‌ها استفاده می‌شده است. هنر مجسمه‌سازی در سفالگری ایرانی در انواع ظروف و تُحَف از قبیل جام، تنگ، فنجان، شمعدان، عودسوز، چراغ، بخوردان، و حتی جعبه حیات می‌یابد. از این نمونه سفال‌ها در شهرهای ری، جرجان، و نیشابور به‌دست آمده است. در قرن سوم هجری، این هنر پیشرفت بیشتری کرد و در سمرقند و نیشابور آثار بسیار مرغوبی به‌وجود آمد. تا جایی که در همهٔ ادوار بعد، هیچ‌یک از مجسمه‌های سفالی (کاربردی یا تزیینی) دوران اسلام، از حیث قدرت و زیبایی به پای آثار نیشابور و سمرقند نمی‌رسد.

در میان حکومت‌های مهم ایرانی پس از اسلام، سلجوقیان یکی از سلسله‌های بسیار تأثیرگذار است؛ سلسله‌ای با همت بلند، که این همت بلند در هنرها و علومی که پروراندند و حمایت کردند جلوه‌گری می‌کند. در این زمان، در دربار اکثر امرا، فعالیت‌های هنری بسیاری انجام می‌شد. سلجوقیان، در زمان سیادت و برتری خود، به تزیینات تمثیلی زنده میل عجیبی داشتند که تا حد زیادی در طرح‌های خاص مجسمه‌ها در آن زمان مؤثر بود. در این دوره، ساخت ظروف مزین به نقوش حیوانی و انسانی، البته با صورتی زیباتر و با کمیتی بیشتر از قبل،

---

۱. البته بنا بر نظر فقها، تحریم مجسمه‌سازی در اسلام امری فراگیر نبوده و تحریم کردن یا نکردن آن منوط به کاربرد آیینی (بت‌پرستی یا احتمال آن) است [۸،ص۵].

www.SID.ir

رایج بود. در این اشکال، دو ویژگی و عامل مهم قابل بررسی است: یکی ادامهٔ سنن آفرینش حجمی ساسانیان، به‌خصوص استفاده از موتیف‌های فلزکاری در این دوره، و دیگری تأثیر ادبیات و داستان‌های ملی بر هنر سفالگری که حتی بیش از مورد اول شایان توجه است [۸،ص۲۳ـ۳۵].

در این دوره، مراکز متعدد هنری در شهرهای مختلف، از جمله ری، ایجاد شدند که مجسمه‌های سفالینی می‌ساختند و آن‌ها را با لعاب درخشان فیروزه‌ای می‌پوشاندند. همچنین، دستهٔ کوچکی از مجسمه‌ها از جمله آثار سفالی زیبا و در برخی موارد پیچیدهٔ زرین‌فام این دوره است. دامنهٔ وسیعی از انواع مختلف این مجسمه‌ها موجود است، اما رایج‌ترین آن‌ها نمونه‌های کوچکی به شکل حیوانات مختلف از جمله شیر و گاو است [۹،ص۱۵۷].

تحول و پیشرفت این پیکرک‌های لعابی، پس از دورهٔ سلجوقی، در دورهٔ خوارزمشاهی[۱] نیز تداوم می‌یابد. هم‌زمان با این دوران، هنر چین به ایران صادر شد و سفالگران از نظر تکنیکی بانیان تحولی نوین در هنر سفالگری ایرانی شدند. آن‌ها برای تهیهٔ خمیر سفالگری مشابه خمیر ظروف ساخت چین، خمیر شیشه و خاکستر را به گل نرم اضافه می‌کردند که نتیجهٔ آن مجسمه‌هایی با بدنه‌های ظریف‌تر و درخشان‌تر بود. در این دوره، در شهر کاشان نیز مجسمه‌های سفالینی ساخته می‌شد که سبک خاصی داشت و با لعاب زرین‌فام و نقوش عموماً متراکم و تصاویر انسان با صوت گرد مغولی و چشمان بادامی و... تزیین می‌شد [۸،ص۳۷ـ۳۹].

هرچند حملهٔ مغولان به ایران در قرن هفتم ه.ق موجب واردآمدن ضربه‌ای سهمگین بر پیکر فرهنگ و هنر ایران و توقف فعالیت‌های هنری و معماری شد [۱،ص۱۵۸]، به‌تدریج حکمرانان مغول عمیقاً تحت‌تأثیر میراث هنری ایرانی- اسلامی، که قبل از حملهٔ آنان به سرحد کمال رسیده بود، قرار گرفتند و با پذیرش دین اسلام به تشویق و ترویج هنرهای اسلامی پرداختند.

طی این دوره، هنر سفالگری کامل شد و هنرمندان ظروف را با روش‌های مختلفی تزیین می‌کردند. آن‌ها در به کار بردن تصاویر انسانی و حیوانی نیز پیشرفت درخور توجهی داشتند و گاهی از اشکال و سبک‌های چینی اقتباس می‌کردند. در این دوره، غیر از ظروف، تعداد زیادی از مجسمه‌های حیوانات و پرندگان و اشخاصی در وضعیت نشسته نیز ساخته می‌شدند. به‌طورکلی، در دو شهر ری و کاشان، موضوع تزییناتِ برجسته و مشبک عبارت است از حیوانات و پرندگان و قطعه‌هایی به شکل خانه که اغلب بدون سقف است و دیوارهایی با اشکال برجسته از حیوانات درنده و طاق‌های متعدد دارد [۸،ص۴۸ـ۴۹].

---

۱. گفتنی است که با توجه به مشابهت‌های فراوان بین هنر سفالگری دوران سلجوقی و خوارزمشاهی و نیز انجام‌نشدن تحقیقات کافی برای تعیین تفاوت‌ها و تمایزات هنر سفالگری دوران خوارزمشاهی از دوران سلجوقی، پیکرک‌های سفالی ساخته‌شده در دوران مزبور را با عنوان کلی پیکرک‌های سلجوقی ذکر می‌کنیم.

Archive of SID

www.SID.ir

پس از دوران ایلخانی، ساخت مجسمه‌های سفالین تقریباً متوقف می‌شود و فقط در دوران صفوی است که نمونه‌هایی از این مجسمه‌ها تحت‌تأثیر سفالگری کشور چین ساخته می‌شود. البته در ادوار زندیه و قاجاریه نیز معدودی احجام کوچک ساخته می‌شد که جنبهٔ کاربردی داشتند و رد پای سنن هنری ادوار قبل در آن‌ها دیده می‌شود [۸،ص۶۵-۶۲]. در ادامه، به معرفی نمونه‌های بررسی‌شده خواهیم پرداخت که قطعاً اطلاعات آن‌ها کمک بزرگی به شناخت دقیق‌تر هنر پیکرک‌سازی دوران اسلامی به‌طور عام و پیکرک‌های سفالی زنان به‌طور خاص خواهد کرد.

معرفی نمونه‌ها

پیکرک‌های سفالی زنان در ادوار سلجوقی و ایلخانی را با توجه به نمونه‌های مورد پژوهش، در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو دستهٔ پیکرک‌های طبیعی یا واقعگرایانه و دستهٔ پیکرک‌های ترکیبی مرکب از سر زن با بدن پرنده یا موجود خیالی موسوم به هارپی[1] تقسیم کرد که این دو دسته به لحاظ مشخصات ساخت، تزیین، کاربرد، و بعضاً دورهٔ ساخت، متفاوت‌اند. بنابراین، در مجموع مشخصات ده عدد از این پیکرک‌ها را، که اغلب در موزه‌ها یا مجموعه‌های خصوصی خارج از کشور نگهداری می‌شوند، مطابق تقسیم‌بندی یادشده در دو دستهٔ مجزا بررسی می‌کنیم.

پیکرک‌های طبیعی زنان

منظور از پیکرک‌های طبیعی زنان، پیکرک‌هایی هستند که شخصیت‌هایی از زنان را در حالت‌های طبیعی و واقعی زندگی روزمرهٔ دورهٔ ساختشان، مانند نگهداری از کودکان یا شیردادن به اطفال، نشان می‌دهند. پیکرک‌های مزبور در مجموع چهار مورد از پیکرک‌های بررسی‌شده را شامل می‌شوند که به ترتیب در مجموعهٔ کریستی، موزهٔ برلین، موزهٔ ملی ایران، و موزهٔ هنر لس‌آنجلس‌کانتی نگهداری می‌شوند. به لحاظ نوع کاربرد نیز، دو مورد از آن‌ها کاربرد تزیینی- به‌عنوان مجسمه- و دو مورد دیگر کاربرد مصرفی- به‌عنوان گلدان- دارند. در زیر، ابتدا اطلاعات کلی دربارهٔ دوره و مرکز ساخت، گونهٔ ساخت، و تزیین به علاوهٔ محل نگهداری آن‌ها ارائه و سپس به سایر مشخصات و جزئیات بدنی، پوششی، آرایشی، و... پرداخته می‌شود.

نمونهٔ۱: پیکرهٔ زنی به همراه فرزندش، محل ساخت: احتمالاً شهر کاشان، متعلق به دورهٔ سلجوقی طی قرون ششم تا هفتم هجری، از دستهٔ سفالینهٔ بدون لعاب، واقع در بخش هنر اسلامی و سرخپوستی مجموعهٔ کریستی لندن (شکل۳).

۱. نام سه موجود عجیب‌الخلقهٔ بالدار است. چهرهٔ این موجود به چهرهٔ زن، بدن او به کرکس می‌ماند، ناخن‌های برگشته دارد و مرگ و کشمکشِ شدید را تجسم می‌دهد [۳، ذیل هارپی].

Archive of SID

www.SID.ir

این پیکره به صورت چهارزانو نشسته و کودکی بر زانوی راست وی قرار گرفته است. برای جاگرفتن کودک، دست‌های زن به‌صورت فاصله‌دار روی زانو قرار گرفته و سر کودک به قسمت بالای دست راست مادر تکیه زده است. زن سرپوشی دارد که فقط قسمت بالای سر را دربرگرفته و طرفین چپ و راستِ سر فاقد پوشش است. دو گیسِ بلندِ بافته‌شده از طرفین سر به سمت پایین و پهلوهای پیکرک امتداد یافته است. پیکرک در قسمت صورت ابروان پیوندی کشیده و چشمان بادامی، بینی و دهان نسبتاً کوچک، و گونه‌های برجسته دارد. لباس زن یکپارچه و با آستین‌های کوتاه تا قسمت آرنج است و به لحاظ تزیینی کاملاً ساده و فاقد رنگ، لعاب، و یا نقش خاصی است. کودک نیز برهنه و فاقد لباس است. به‌لحاظ زیورآلات، زن مزبور گوشواره‌هایی در گوش و گردن‌بند فلزی دارد که آویز بزرگی در قسمت وسط آن قرار دارد. به نظر می‌رسد بازتاب شکل واقعی زن اهمیت فراوانی برای هنرمند سازنده داشته است، زیرا برجستگی شکم پیکره، که احتمالاً نشان‌دهندهٔ فربهی یا بارداری زن مورد نظر بوده، به زیبایی هرچه تمام‌تر ارائه شده است.

شکل۳. زن سلجوقی به همراه فرزندش واقع در مجموعهٔ کریستی

شکل۴. پیکرهٔ زن به همراه کودکش واقع در موزهٔ برلین

نمونهٔ۲: پیکرهٔ زنی به همراه کودکش، محل ساخت: ری، متعلق به دورهٔ سلجوقی طی قرون ششم تا هفتم هجری، از دستهٔ سفالینهٔ زرین‌فام یا طلایی، واقع در بخش هنر اسلامی موزهٔ برلین (شکل۴).

این پیکره نمایش‌دهندهٔ زنی است که روی دوزانو نشسته و کودکش را در آغوش گرفته است. زن کلاهی تاج‌گونه بر سر دارد و گیسوانش از زیر کلاه بر روی شانه‌هایش ریخته است. صوتی گرد با ابروانی کشیده و چشمانی بادامی و بینی و دهانی کوچک دارد. لباسی بلند بر تن دارد که با نقوش مختلف تزیین شده است. کودکی که در آغوش زن است برهنه و در حال شیرخوردن با چیزی شبیه به شیشه است. برخلاف پیکرهٔ قبلی، روی لباس تزیینات مفصلی مشتمل بر نقوش گیاهی به رنگ قهوه‌ای بر زمینهٔ کرمی‌رنگ دارد. همچنین در ارائهٔ جزئیات

Archive of SID

www.SID.ir

چهره، به‌خصوص چشم‌ها و ابروها، ظرافت بیشتری دیده می‌شود. مانند نمونهٔ قبلی، گیسوانِ پیکره از دو طرف جلو سر آویزان است، اما نوع پوشش سر حالت تاج‌مانند به خود گرفته که بر روی آن هم تزیینات زیبایی کار شده است. با توجه به چنین مشخصاتی، احتمالاً پیکره ارائه‌دهندهٔ یکی از زنان درباری دورهٔ سلجوقی است.

نمونهٔ۳: مجسمهٔ نشستهٔ یک زن به صورت گلدان به رنگ قهوه‌ای کمرنگ مایل به طلایی، خمیر نخودی‌رنگ، محل کشف: گرگان، تکنیک: زرین‌فام، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دورهٔ سلجوقی، واقع در موزهٔ ملی ایران (شکل۵).

این گلدان به شکل زنی است که به صورت چهارزانو نشسته و گویی چیزی شبیه به چادر بر سر دارد. گلدان پایهٔ بیضی مسطحی دارد و همهٔ سطح مجسمه به نقوش پرندگان در حال پرواز و نقوش اسلیمی حلزونی با تکنیک زرین‌فام مزین شده است. سر و صورت زن نیز با چانهٔ نوک‌تیز و گونه‌های برجسته با چشمان بادامی و ابروان کمانی و موهای بلند به همراه یک سربند ارائه شده است.

شکل۵. گلدان به شکل زن نشسته واقع در موزهٔ ملی ایران

شکل۶. پیکرک نوازنده با چنگ واقع در موزهٔ هنر لس‌آنجلس‌کانتی

نمونهٔ۴: پیکرک توخالی نوازنده با چنگ، محل ساخت: شهر کاشان، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دورهٔ سلجوقی، از دستهٔ سفالینه با نقاشی در زیر لعاب، واقع در موزهٔ هنر لس‌آنجلس‌کانتی (شکل۶).

این پیکرک توخالی، که احتمالاً به‌عنوان گلدان استفاده می‌شده است، فرد نوازنده‌ای را در حال نواختن چنگ نشان می‌دهد. این شخص کلاهی تاج‌گونه بر سر دارد و لباس بلندی بر تن. دو طره مو نیز از طرفین کلاه روی شانه‌هایش افتاده است. روی لباس او تزییناتی به شکل نقوش گیاهی به چشم می‌خورد. خطوط ابروها، تزیینات روی لباس، موهای ریخته‌شده بر شانه‌ها، خط حاشیهٔ کلاه، و حاشیهٔ چنگ نوازنده به رنگ قهوه‌ای تیره نقاشی شده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

پیکرک‌های در قالب هارپی

منظو از هارپی موجود ترکیبی با سر انسان (اغلب زن) و بدن پرنده است که چهار عدد از پیکرک‌های بررسی‌شده را شامل می‌شود. پیکرک‌های این دسته، که در موزه‌های ملی ایران، طارق‌رجب کویت، و مجموعهٔ دیوید کپنهاگ نگهداری می‌شوند، اغلب پایه‌های مستطیلی، مثلثی، و استوانه‌ای، پروبال‌هایی با تزیینات فراوان و تاج‌هایی روی سر دارند و احتمالاً با الهام از شیوه‌های هنری قبل از اسلام، اما با شمایل و مفاهیم متفاوت، ساخته شده‌اند.

نمونهٔ۵: پیکرک سفالی با کارکرد گلدان، در قالب هارپی، از دستهٔ سفالینه زرین‌فام، متعلق به دوران سلجوقی، واقع در موزهٔ ملی ایران (شکل۷).

پیکره روی یک پایهٔ مربعی شکل قرار گرفته و در قسمت پاها و دم (با واسطهٔ دو پایهٔ مجزا) به پایهٔ مربعی متصل شده است. پیکره دارای پوششی تاج‌مانند با لبه‌های صاف روی موهایی است که از دو طرف جلو سر به شکل مرواریدبندی‌شده آویزان شده‌اند. پیکره همچنین تزیینات مفصلی از نقوش متنوع گیاهی و هندسی روی لباس دارد.

شکل۷. پیکرک سفالی به شکل هارپی واقع در موزهٔ ملی ایران

شکل۸. پیکرک سفالی به شکل هارپی واقع در موزهٔ طارق‌رجب

نمونهٔ۶: پیکرک سفالی به شکل هارپی، از دستهٔ با نقاشی (سیاه) در زیر لعاب (آبی فیروزه‌ای)، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دورهٔ سلجوقی، واقع در موزهٔ طارق‌رجب (شکل۸).

پیکره روی یک پایهٔ تقریباً مثلثی‌شکل قرار گرفته و در قسمت پاها و دم به پایه متصل شده است. پیکره تاجی دارد که لبه‌های آن در قسمت جلو بالاتر و به شکل مثلثی درآمده است. همچنین ابروان نازک و بینی و چشمان کوچک و گونه‌های برآمده دارد. در قسمت گردن، خطوط عمودی به موازات هم از بالا به پایین ترسیم شده و سایر قسمت‌های دیگر را نقوش گیاهی و شبه‌اسلیمی پرکرده است.

Archive of SID

www.SID.ir

نمونهٔ۷: گلدان با خمیر صورتی‌رنگ، محل کشف: گرگان، از دستهٔ سفالینهٔ زرین‌فام، متعلق به اوایل قرن هفتم هجری برابر با دورهٔ سلجوقی، واقع در موزهٔ ملی ایران (شکل۹).

گلدان پایهٔ بلند مقعر با شیارهای خیاری‌شکل دارد. دهانهٔ آن به شکل سر انسان به همراه سربندی با لبهٔ صاف بوده و بدنهٔ آن شبیه بدن یک پرنده با دمی بلند و برگشتهٔ حلزونی ساخته شده است. تکنیک تزیین آن به صورت زرین‌فام بوده و بدنهٔ گلدان با نقوش گیاهی اسلیمی و خطوط موازی و فلس‌مانند و نقطه‌چین تزیین شده است. چهرهٔ زن ابروان پیوسته و خالی در پیشانی و چشمان بادامی و چانه‌ای نوک‌تیز دارد با موهایی که از فرق سر باز شده، سربند او نیز به صورت کنگره‌ای نقش شده است.

شکل۹. پیکرک سفالی به شکل هارپی واقع در موزهٔ ملی ایران

شکل۱۰. پیکرک سفالی به شکل هارپی در مجموعهٔ دیوید کپنهاک

نمونهٔ۸: پیکرک خمیرشیشه‌ای به شکل هارپی، محل ساخت: شهر کاشان، از دستهٔ زرین‌فام، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با دورهٔ سلجوقی، به ارتفاع: ۱۶٫۵ و عرض ۱۵ سانتی‌متر، واقع در مجموعهٔ دیوید در کپنهاگ (شکل۱۰).

قسمت پاهای پیکرک به‌صورت کروی‌شکل طراحی شده و آن را از پایهٔ مجزا بی‌نیاز کرده است. روی بال‌ها و بدن پیکرک نقوش ریز گیاهی و هندسی به رنگ قهوه‌ای براق به کار رفته است. همچنین، پیکر کلاهی مدور با تزیینات لکه‌های بزرگ قهوه‌ای‌رنگ به شکل نیم‌دایره در قسمت لبهٔ کلاه دارد.

سر زنان در قالب بخشی از تزیین یا بخشی از بدنهٔ ظروف سفالی

علاوه بر پیکرک‌های سفالی واقع‌گرایانه و هارپی‌ها، دسته‌ای از ظروف سفالین در ادوار سلجوقی و ایلخانی وجود دارد که بخشی از تزیین یا بخشی از بدنهٔ آن‌ها در قالب سر زنان طراحی شده

www.SID.ir

است و به عبارتی قسمت اصلی پیکرک‌های سفالی زنانه، یعنی سر و چهره، را دربرمی‌گیرد. از نمونه‌های این گروه می‌توان به این موارد اشاره کرد.

نمونهٔ۹: تُنگ دسته‌دار با سر زن از جنس خمیر سنگ، تزیین‌شده با تکنیک زرین‌فام بر روی لعاب آبی‌رنگ، متعلق به قرن هفتم هجری برابر با اوایل دورهٔ ایلخانی، واقع در موزهٔ آشمولین (شکل۱۱).

چهرهٔ زنی که در قسمت سر تنگ نقاشی شده است چشمانی کشیده و ابروانی کمانی با بینی و دهانی کوچک دارد و خالی نسبتاً بزرگ بر گونهٔ راست او دیده می‌شود. همان‌گونه که استفاده از فرم کامل حیوانات در ساخت اشیا معمول بوده، استفاده از سر انسان یا حیوانات برای دهانهٔ پارچها و مشربه‌ها نیز متداول بوده است. احتمالاً استفاده از سر انسان به شکل زن در قسمت دهانه برای خوش‌یمن‌کردن ظرف بوده، یعنی همان نقشی که ابوالهول‌ها پیش از اسلام داشتند. کتیبه‌ای ناخوانا نیز به‌صورت تکراری بر روی ظرف نوشته شده که احتمالاً مضمون دعای خیر و برکت دارد.

شکل۱۱. تنگ دسته‌دار با سر زن واقع در موزهٔ آشمولین

شکل۱۲. نمای نزدیک تزیینات قسمت گردن‌تنگ دسته‌دار

نمونهٔ۱۰: فنجان لعابدار با تزیینات قالبی، از دستهٔ سفالینهٔ لاجورد زراندود، محل ساخت: شهر کاشان، متعلق به اواخر قرن هفتم هجری برابر با دورهٔ ایلخانی، واقع در موزهٔ طارق‌رجب کویت.

این فنجان از آثار دوران ایلخانی است که چهرهٔ زنانی به‌صورت قالبی و برجسته در سه طرف بر روی بدنهٔ خارجی آن ایجاد شده است. پیکره تاجی مدور روی سر دارد که قسمتی از لبهٔ ظرف را تشکیل می‌دهد و قسمت‌هایی از موهای پیکره به زیبایی تمام از زیر تاج نمایان شده است. همچنین پیکره فاقد دهان است و چشمان بادامی با ابروان متراکم دارد که به طرف پایین و روی بینی امتداد یافته است (شکل۱۳).

Archive of SID

www.SID.ir

شکل۱۳. فنجان لعابدار با تزیینات قالبی به شکل صورت زن واقع در موزهٔ طاررجب

شکل۱۴. نمای نزدیک تزیینات قالبی بدنهٔ فنجان لعابدار به شکل صورت زن

بحث و تحلیل

همان‌گونه که دیدید، دستهٔ پیکرک‌های طبیعی اغلب بازتاب‌دهندهٔ وظایف خاص زنان مانند بچه‌داری یا فرزندپروری است و شاید بتوان ساخت آن‌ها را نشان‌دهندهٔ اهمیت این نقش در آن دوران محسوب کرد، زیرا می‌دانیم که تعداد نفرات بیشتر در ادوار گذشته به معنای قدرت بیشتر و به تبع آن مزیت‌های سیاسی، نظامی، و اقتصادی بیشتر در مقایسه با قبایل یا طوایف کوچک‌تر بوده است. از این حیث می‌توان تشابهی بین آن‌ها با پیکرک‌های گلی و سفالی زنان در دوران پیش از تاریخ برقرار کرد، زیرا در هر دو دسته، ساخت پیکرک‌ها با تولید و پرورش نسل بعدی سروکار دارد و اهمیت نقش زنان را در این امر یادآور می‌شود. با توجه به این واقعیت که پیکرک‌های مزبور اغلب طی ادوار سلجوقی و ایلخانی ساخته شده‌اند، که نظام سیاسی و نظامی آن‌ها برخلاف ایرانیانِ شهرنشین بر طایفه و قبیله استوار بوده، لزوم و اهمیت ساخت آن‌ها بیشتر نمایان می‌شود.

پیکرک‌های زنان در این گروه، هم به صورت کاملاً ساده و فاقد تزیین با پوشش معمولی (شکل۱) و هم با تزیینات فراوان همراه با تاج (شکل‌های۴و۵) مشاهده می‌شوند که این تفاوت می‌تواند متأثر از تفاوت جایگاه و مقام زنان درباری با زنان سایر طبقات جامعه باشد.

ساخت برخی دیگر از پیکرک‌های این دسته را می‌توان با مفاهیم نجومی یا ادبی دورهٔ ساخت آن‌ها مرتبط دانست. از جمله پیکرهٔ نوازندهٔ چنگ (شکل۶) که احتمالاً نمایانگر آزادهٔ چنگ‌نواز در داستان بهرام و آزاده [۱۲، ج۲،ص۸۹۰] یا ارائه‌کنندهٔ صورت فلکی زهره یا ناهید به‌عنوان چنگ‌نواز و خنیاگر فلک است [۳، ذیل واژهٔ ناهید].

اما در پیکرک‌های سفالی زنان، که به شکل هارپی ساخته شده‌اند، می‌توان تأثیر سنت‌های

www.SID.ir

هنری ادوار قبل از اسلام یا برخی مفاهیم مذهبی دوران اسلامی را مؤثر دانست. به لحاظ منشأشناسی، موضوع ترکیبی زن- پرنده به صورت ظرف یا دستهٔ ظرف مخصوص هنر ایران- اورارتو است و بعدها به هنر یونانی وارد شده است. جانور ترکیبی مزبور در هنر یونانی و اورارتویی به‌عنوان نشانهٔ مراسمِ به خاکسپاری مردگان، که روح مردگان را به دنیای دیگر می‌برد، دیده می‌شود [۷،ص۳۳۸].

با وجود سابقهٔ کهن ایران در ایجاد و کاربرد این نقش، به نظر می‌رسد در هنر ایران، به‌خصوص طی دوران تاریخی، نقش مزبور چندان مورد اقبال نبوده است؛ به‌طوری‌که نمونه‌های زیادی از آن بر جای نمانده است. اما برخلاف دوران تاریخی، نمونه‌های متعددی از جانوران ترکیبی با سر انسان و بدن پرندگان در هنرهای مختلف اسلامی ایران، از جمله در هنر سفالگری، برجای مانده است. از نمونه‌های متداول کاربرد نقش هارپی می‌توان به هارپی‌های زوجی که به‌صورت قرینه و پشت به هم کرده در اطراف یک نقش گیاهی یا باند کتیبه‌ای طراحی شده‌اند اشاره کرد. این نقوش معمولاً جنسیت مؤنث با هاله‌ای بر گرد سر و صورت‌هایی زیبا با اندامی ظریف در زمینهٔ نقوش اسلیمی دارند و معمولاً در ظروف زرین‌فام ادوار سلجوقی و اوایل ایلخانی مشاهده می‌شوند.

دقت به ترکیب سر انسان، به‌عنوان جایگاهِ قرارگیری مغز و به‌تبع اندیشهٔ بشری، با بدن پرنده، که مهم‌ترین شاخص آن بال و پرواز است، می‌تواند در تفسیر صحیح‌تر این جانور، مفید و رهنمون باشد. پرنده در بیشتر فرهنگ‌های بشری، نماد گستردهٔ روح است؛ به‌ویژه هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند. همچنین پرنده‌های بلندپرواز به‌طور گسترده‌ای با خدایان خورشید همراه‌اند [۱۰،ص۳۹-۶۰]. بنابراین، مهم‌ترین عاملی که باعث ایجاد این موقعیت نمادین برای پرنده شده بال‌های اوست که در نقوش هارپی، بشرِ دوپا آن‌ها را از پرنده وام گرفته است.

اما بال روی بدن انسان یا حیوان، علامت ایزدی و نماد قدرت محافظت محسوب می‌شود. همچنین هنگامی‌که بال مربوط به پیام‌آوران و خدایان و بادها می‌شود، دلالت بر سرعت و تندی دارد و ممکن است حاکی از گذر سریع عمر باشد. وامگیری از بال پرندگان در هنر جهان و ایران، به‌خصوص جهت ارائهٔ خدایان (هرچند خدایان خواه به صورت انسان خواه به صورت حیوان به‌ندرت بال دارند) سابقهٔ طولانی دارد که به احتمال فراوان از خاورمیانه به مناطق دیگر جهان رسیده است. از نمونه‌های این خدایان می‌توان به لاکشمی (دِوی)، گارودا (عقاب- خدا) و سوریا (خورشید- خدا) در هند، و لی‌کونگ (خدای تندر) در چین اشاره کرد [۱۰،ص۳۰].

نقش انسان‌های بالدار در فرهنگِ ایران نیز قدمت بسیار طولانی دارد که مهم‌ترین نمودهای آن در هنر هخامنشی و در قالب نقش فَروَهر نمایان شده است. می‌توان گفت هنرمندان ایرانی با اضافه‌کردن دو بال بر دوش یک نقش انسانی، آن را به موجودی ملکوتی و آسمانی تبدیل کرده‌اند.

اما از بُعدِ مفاهیم مذهبی دوران اسلامی، نقش پرنده با سر زن را می‌توان نمادی از فرشته یا

Archive of SID

www.SID.ir

پری دانست. بنابر تعریف، «پری یا فرشته موجود متوهمِ صاحب پر است که اصلش از آتش است و به چشم نمی‌آید و غالباً نیکوکار است، به‌عکسِ دیو که بدکار باشد. مقابل دیو. نوعی از زنانِ جن که نهایت خوبرو باشند» [۳، ذیل واژهٔ پری]. همچنین، در تعریف دیگری که از مترادف عربی این واژه، یعنی مَلَک صورت گرفته، آن را به‌عنوان «جسم لطیف نورانی که به اشکال گوناگون متشکل می‌شود» [۳، ذیل واژهٔ مَلَک] توصیف کرده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، خصوصیاتی چون صاحب پر بودن و خوبروبودن این موجودات و تجسم به اشکال گوناگون از جمله پرنده با پیکرک‌های هارپی سفالی مطابقت می‌کند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نتایج حاصل از نمونه‌های بررسی‌شده، می‌توان گفت دورهٔ سلجوقی، از قرن پنجم تا هفتم هجری، مهم‌ترین دورهٔ ساخت پیکرک‌های سفالین زنان دوران اسلامی ایران است که پیامد تحولات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ورود ترکان سلجوقی به ایران است. پس از این دوره، طی دوران ایلخانی نیز این سنت کم‌وبیش تداوم یافته، البته با این تفاوت که به جای ساخت پیکرک‌های کامل و مستقل، بخشی از تزیین یا بخشی از بدنهٔ ظروف سفالی در قالب چهرهٔ زنان ایجاد می‌شد.

دربارهٔ مهم‌ترین مراکز ساخت این پیکرک‌ها می‌توان از شهرهای جرجان و کاشان نام برد که در این میان هنرمندان سفالگر شهر کاشان، با توجه به سابقهٔ غنی سفالگری خود، تعداد زیادی از نمونه‌های بی‌نظیر پیکرک‌های زنان را خلق کرده‌اند.

از مهم‌ترین منابع الهام‌بخش ساخت پیکرک‌های سفالی مزبور نیز می‌توان به سنت‌های هنری پیش از اسلام در کنار برخی مفاهیم مذهبی (تجسم فرشتگان)، سیاسی (نظام قبیله‌ای حاکم)، ادبی (شخصیت‌های زن ادبیات ایران مانند آزاده)، یا علمی (صور فلکی علم نجوم مانند زهره) به دورهٔ ساخت آن‌ها اشاره کرد. در این میان، الگوی انسان- پرنده، یا هارپی، عمده‌ترین الگوی ساخت پیکرک‌های مزبور بوده است که احتمالاً انتخاب و تداوم آن از بین الگوهای متعدد موجود پیش از اسلام، به علت تناسب بیشتر آن با جنس مؤنث و مفاهیم اسلامی، مدنظر هنرمندان سازنده بوده است.

اغلبِ این پیکرک‌ها با هدفی خاص و برای کاربردی معین چون گلدان، فنجان، و تنگ یا ابریق ساخته شده‌اند و البته در کنار آن برخی از نمونه‌ها احتمالاً به‌عنوان مجسمهٔ تزیینی، کاربرد داشته‌اند. همچنین، از مهم‌ترین شیوه‌های ساخت نمونه‌ها می‌توان از تکنیک‌های زرین‌فام یا طلایی و نقاشی در زیر لعاب در کنار تکنیک لاجوردِ زراندود و از عمده‌ترین شیوه‌های تزیین پیکرک‌ها نیز می‌توان از نقاشی، نقش افزوده، و نقش قالبی نام برد.

در پایان، از مهم‌ترین تفاوت‌های پیکرک‌های سفالی زنان در دوران اسلامی با نمونه‌های گلی و

Archive of SID

www.SID.ir

سفالی پیش از تاریخ نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که پیکرک‌های مزبور، برخلاف نمونه‌های پیش از تاریخی، به‌صورت برهنه و نمایش‌دهندهٔ ویژگی‌های جنسیتی و اندام‌های جنسی نیستند، بلکه در قالب کاملاً پوشیده طراحی و ساخته شده‌اند. به عبارت دیگر، در ساخت پیکرک‌های مزبور، تأکید بر نقش‌ها و کارکردهای زنان در کنار ابعاد زیبایی‌شناختی آن‌ها بوده است.

جدول۱. مقایسهٔ پیکرک‌ها

طرح پیکرک				
شکل	زن نشسته	زن نشسته	زن نشسته	زن نوازنده با چنگ
منشأ	نظام طایفه‌ای ترکان سلجوقی	نظام طایفه‌ای ترکان سلجوقی	نظام طایفه‌ای ترکان سلجوقی	احتمالاً آزاده یا صورت فلکی زهره
کاربرد	احتمالاً مجسمه تزیینی	احتمالاً مجسمه تزیینی	احتمالاً مجسمه تزیینی	احتمالاً مجسمه تزیینی
شیوهٔ ساخت	سفالینه بدون لعاب	سفالینهٔ زرین‌فام	سفالینهٔ زرین‌فام	سفالینهٔ نقاشی زیر لعاب
دورهٔ ساخت	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی
مرکز ساخت	احتمالاً شهر کاشان	شهرری	شهر گرگان	شهر کاشان
محل نگهداری	مجموعهٔ کریستی	موزهٔ برلین	موزهٔ ملی ایران	موزهٔ هنر لس‌آنجلس کانتی

Archive of SID

www.SID.ir

		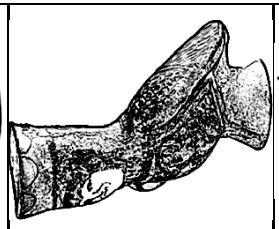		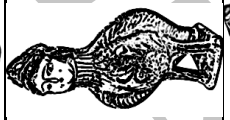	
سر زن	سر زن	هارپی	هارپی	هارپی	هارپی
نوآوری دوران اسلامی	سنت‌های پیش از اسلام	سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنت‌های پیش از اسلام یا تجسم فرشته	سنتهای پیش از اسلام یا تجسم فرشته
فنجان	تنگ دسته‌دار یا ابریق	گلدان	گلدان	گلدان	گلدان
سفالینهٔ لاجوردزراندود	سفالینهٔ زرین‌فام	سفالینهٔ زرین‌فام	سفالینهٔ زرین‌فام	سفالینهٔ نقاشی زیر لعاب	زرین‌فام
دوران ایلخانی	دوران ایلخانی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی	دوران سلجوقی
شهر کاشان	نامعلوم	شهر کاشان	شهر گرگان	نامعلوم	نامعلوم
موزهٔ طارق‌رجب	موزهٔ آشمولین	مجموعه دیوید در کپنهاک	موزهٔ ملی ایران	موزه طارق‌رجب	موزهٔ ملی ایران

www.SID.ir

منابع

[۱] احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲). *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران*، تهران: علمی فرهنگی.
[۲] خانی، شهین؛ ذکرگو، امیرحسین (۱۳۸۱). «تجلی زن ازلی در هنرهای اساطیری و دینی»، فصلنامهٔ *هنرنامه*، ش۷، ص۷.
[۳] دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامهٔ دهخدا*، دورهٔ جدید، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
[۴] رفیعی، لیلا (۱۳۷۸). *سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*، تهران: یساولی.
[۵] فیروزمندی، بهمن؛ گزازی، سیده ماندانا (۱۳۸۹). «جایگاه زن در پیش از تاریخ: مطالعهٔ موردی پیکرک‌های محوطهٔ حاجیلار»، فصلنامهٔ علمی‌ـ پژوهشی *زن در فرهنگ و هنر*، دورهٔ۲، ش۱، ص۸۹ـ۱۱۱.
[۶] کنی، جان.ب. (۱۳۷۳). *مجسمه‌های سفالین*، ترجمهٔ یوسف کیوان‌شکوهی، تهران: فرهنگان.
[۷] گریشمن، رمان (۱۳۷۱). *هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی*، ترجمهٔ عیسی بهنام، تهران: علمی و فرهنگی.
[۸] موسوی خامنه، زهرا (۱۳۸۶). *مجسمه‌سازی* (برگرفته از صنایع دستی)، تهران: سمت.
[۹] واتسون، الیور(۱۳۸۲). *سفال زرین‌فام ایرانی*، ترجمهٔ شکوه ذاکری، تهران: سروش.
[۱۰] هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمهٔ رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
[۱۱] یانگ، کایلر، و دیگران (۱۳۸۵). *ایران باستان*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: مولی.

[12] Encylopaedia Iranica, s.v. (1977). "Bahram. I: In old and Middle Iranian texts" (by G. Gnoli); Arthur Pope, A survey of Persian art, Tehran.
[13] Mellaart. James (1975). *The Neolithic of the Near East*, London.

Archive of SID

www.SID.ir